

بازاندیشی مباحث

رمان و فیلم

کامیلا ایوت

به کوشش فرزانه سجودی
(گروه مترجمان)

فهرست

♦ فصل اول

- ۷ پیش‌گفتار
- ۱۷ ۱. قیاس و طبقه‌بندی
- ۲۱ لائوکون سلولوئیدی
- ۲۷ به تصویر کشیدن کلمات/ در قالب کلمه در آوردن تصاویر
- ۴۲ طبقه‌بندی قیاس‌ها/به قیاس در آوردن طبقه‌ها

♦ فصل دوم

- ۴۷ ۲. تصاویر منثور
- ۴۸ نقاشی منثور / تفسیر مصور
- ۵۴ قلمی کردن مداد [نقاشی]: نقد منثور تصویرها
- ۷۲ نثر در تصاویر
- ۸۱ نثر مصور: آغازهای تصویری دوره‌ی ویکتوریایی
- ۸۱ با مداد کشیدن قلم: آغازهای تصویری بازار خودفروشی
- ۸۲ نثر مصور در برابر تصاویر منثور
- ۸۵ قیاس‌های نمایشی: شخصیت شخصیت
- ۹۳ نمادهای تصویری/ تصاویر نمادین

♦ فصل سوم

- ۱۰۷ ۳. زبان فیلم
- ۱۰۷ تصاویر فیلم به مثابه‌ی زبان
- ۱۱۵ کلام فیلم به عنوان ادبیات
- ۱۲۱ کلام در سینمای صامت
- ۱۲۱ سینمای همراه با نوشته: نقد میان‌نوشته‌های سینمای صامت
- ۱۲۵ میان‌نوشته‌ی سینمایی: میان‌نوشته‌ها و نظریه مونتاز
- ۱۳۳ تصویرسازی کتاب به مثابه فیلم
- ۱۳۶ همه‌ی انواع صحنه‌های متنی

♦ فصل چهارم

۱۵۴

۴. رمان سینمایی / سینمای ادبی

۱۶۰

شرح رمان سینمایی ویکتوریایی

۱۷۰

سینمایی کردن رمان سینمایی و / یا سینمای ادبی

♦ فصل پنجم

۱۸۰

۵. سینمای ادبی و بحث شکل / محتوا

۱۸۴

اقتباس هم‌چون انتقال روح

۱۹۴

مفهوم کلام بطنی از اقتباس

۲۰۳

مفهوم ژنتیکی اقتباس

۲۱۳

مفهوم وا(باز)سازی از اقتباس

۲۱۹

مفهوم تجسد از اقتباس

۲۳۶

مفهوم ارتقاء بخشی از اقتباس

۲۴۶

نتیجه‌گیری

♦ فصل ششم

۲۵۰

۶. اقتباس و قیاس

۲۵۶

اقتباس و قیاس مو به مو (تحت‌اللفظی)

۲۶۵

اقتباس و قیاس ساختاری

۲۷۹

اقتباس و قیاس روان‌کاوانه

۲۸۵

اقتباس و قیاس آینه‌ای

۲۹۲

از کلمه و تصویر به مجاز و تصویر

۳۲۶

نتایج مقدماتی / مقدمات نتیجه

۳۳۲

یادداشت‌ها

۳۸۱

کتابنامه

۳۹۹

نمایه

قیاس و طبقه‌بندی

تمایل دیرباز بشر به استفاده از مجموعه اطلاعات مطرح در وادی یک هنر به قیاس برای صحبت درباره هنری دیگر گرایشی کهن است و رد آن را می‌توان در این جمله هوراس^۱ یافت که می‌گوید «نقاشی همان شعر است»^۲ جمله‌ای که تا به حال عنوان بسیاری از مقالات نگاشته شده در باب شعر و نقاشی بوده است. اگرچه دانشمندان برای مقایسه انواع هنرها از روش‌های گوناگون بهره می‌گیرند، ولی در این میان این مقایسه‌های بیناهنری^۳ هستند که به لحاظ تأکید بر شباهت‌های بسیار نزدیک میان هنرهای مورد مقایسه و ایجاد فضایی برای تقابل میان آن‌ها، گوی سبقت را از دیگر انواع ربوده و بر آن‌ها برتری یافته‌اند. به عنوان مثال سر ریچارد بلاک مور^۴ در سال ۱۷۱۳ با قاطعیت عنوان کرد که «شعر از بسیاری جهات دقیقاً همانند نقاشی است و آن‌ها هر دو از یک پیکر هستند.» وی سپس برای به تصویر کشیدن هریک از این دو عنصر از مضامین موجود در دیگری بهره گرفت: «نقاش شاعری است که

1. Horace

2. Uu picture Poesis

3. Interart

4. Sir Richard Blakemore

برای چشمان می‌سراید و شاعر نقاشی که از رهگذر کلمات و اصوات برای شنونده خلق اثر می‌کند. یکی به واسطه کلام خاموش خود به ما شادی می‌بخشد و دیگری از طریق تصویری آوایی ما را به وجد می‌آورد.»^(۱) دو فرسئوی^۱ نیز در مقدمه کتاب هنر گرافیک^۲، این شباهت بسیار زیاد میان شعر و نقاشی را با بکارگیری شکل دیگری از بیان زیبایی شناختی عنوان کرده است:

نقاش در نقاشی اش آفریننده‌ی شعری ناب است؛

نقاشی حقیقی ترانه‌های شاعر را می‌ماند؛

و هر دو به یک اندازه می‌درخشند؛

جا و نام آن‌ها به تناوب میانشان در گردش است و هریک را از

دیگری نشانه‌ای؛

صفحه‌ای آهنگین با جادوی تصویری گویا،

خاموشی شعر را به گرمی بودنی پرهیاهو می‌خواند.^(۲)

ولی با ظهور روش‌های طبقه‌بندی لینائوسی^۳، نظریه‌پردازان اصول زیبایی شناسی در پی آن برآمدند تا از علوم پیشی بگیرند. گاتولد افریم لسینگ^۴ در فصل ۱۸ کتاب خود تحت عنوان لائوکون^۵ و مقاله‌ای در باب محدودیت‌های نقاشی و شعر (۱۷۶۶) با زیر سؤال بردن شیوه غالب قیاس در گفتمان بینا هنری، مبنای تعریف شعر و نقاشی را به جای شباهت‌های بسیار زیاد آن‌ها، تفاوت‌های آشکار میان آن دو قرار داده است. برخلاف شیوه قیاس بینا هنری که بر منابع مشترک الهام بخش، اصول زیبایی شناسی، و اصول و فنون تکیه دارد، لسینگ اولویت را بیشتر بر ارتباط میان شکل و محتوا می‌دهد و می‌گوید که شعر هنری زمانمند است و بنابراین باید خود را محدود به نشان دادن عملی زمانمند کند، در حالی که نقاشی هنری ایستا و مکانمند است که می‌باید خود را محدود به نشان دادن اجسام در محدوده فضایی خالی نماید.^(۳) بنابراین لسینگ این دو هنر را که از دیرباز هنرهای خواهر نامیده می‌شدند در دو قالب جداگانه طبقه‌بندی کرد و این گونه نمایاند که تلاش این دو در تأسی جستن از یکدیگر و یکسان نمایی به مثابه آن است که به حیوانات دست‌آموز چیزی کاملاً مغایر با طبیعت غریزی آن‌ها آموزش داده شود.

1. C. A. Du Fresnoy	2. De Arte Graphica	3. Linnaean
4. Gotthold Ephraim Lessing	5. Laocoön	

اگرچه در قرن نوزدهم مقایسه‌های بینا هنری درست در جهت مخالف اصول طبقه‌بندی لسینگ قد برافراشته بودند و بر آن استیلا داشتند، ولی در قرن بیستم این روش طبقه‌بندی لسینگ بود که سرانجام بر روش مبتنی بر قیاس برتری یافت. قیاس‌های بینا هنری با الهام از نظریه‌های مکتب رمانتیسم در مورد تخیل هنری مشترک و نیز تأکید بر شکل به جای محتوا که در اواخر قرن رایج بوده است (به این معنی که تبادل بین شکل‌های زیبایی شناختی بیشتر از پیوند میان شکل و محتوا اهمیت داشته است)، گفتمان بینا هنری قرن نوزده را تا بدانجایی مردود می‌شمارد که ایروینگ بابیت^۱ از این مقوله تحت عنوان «بزرگترین تحریف نگارش توصیفی، که جهان تاکنون به خود دیده است»^(۴) یاد می‌کند. از مشهورترین صاحب‌نظران حوزه قیاس بینا هنری می‌توان از جان راسکین^۲ نام برد که در یک پاراگراف واحد به «شیوه‌ی رنگ‌آمیزی» رامبراند^۳، کاراواگیو^۴، سالواتور^۵، اسکات^۶، بایرن^۷، کیتس^۸، و تیسول^۹ پرداخته و در جایی دیگر نیز در مورد «زبان رنگ‌ها» در نقاشی سخن گفته است، و والتر پاتر^{۱۰} که در مورد «معماری ادبی» و «ملودی محض معماری یونانی» مطالبی نگاشته است.^(۵)

این قیاس‌ها راه خود را به حوزه زیبایی شناسی نیز باز کردند: راسکین معتقد بود که «قوانین حاکم بر بیان زبانی دقیقاً همان قوانین حاکم بر بیان از طریق رنگ‌ها است» و پاتر نیز با اطمینان عنوان کرد که در بهترین شیوه‌ی نگارش «ادات ابتدایی زبان همچون رنگ و نور و سایه بر کاغذ نقش می‌بندند».^(۶)

مارتین میسل^{۱۱} نقاط مشترک بین رمان‌ها، عکس‌ها و نمایشنامه‌های بریتانیای قرن نوزده را به لحاظ قراردادها، سبک و زیبایی شناسی مطرح می‌کند و نقش قیاس‌های بینا هنری در نقد و عرف هنرها را نشان می‌دهد. وی می‌نویسد، «هرسه شکل روایی و مصور هستند؛ هدف از ارائه تصاویر نقل داستان است و رمان‌ها نیز از رهگذر تصاویر و به طریق آن‌ها شرح داده می‌شوند».^(۷)

به نقاشی‌های متوالی نمایش (درام) می‌گویند؛ نمایش (درام) عنوانی است که به «تصاویر سخنگو» و «تصاویر متحرک» اطلاق می‌شود؛ نقاشی‌های روایی داستان‌ها را «روایت» می‌کنند؛ و رمان‌ها تصاویر را بر صفحه کاغذ «نقاشی» می‌کنند. بیان قیاسی بینا هنری قرن نوزده به حوزه روش‌های زیبایی شناختی بینا هنری نیز کشیده شد. به

1. Irving Babbitt	2. John Ruskin	3. Rembrandt
4. Caravaggio	5. Salvator	6. Scott
7. Byron	8. Keats	9. Tennyson
10. Walter Pater	11. Martin Meisel	